

سبک و سیاق کتابهای اخلاقی

علی مختاری

اهمیت اخلاق

بخش بسیاری از تعلیمات قرآن کریم و پیشوایان معصوم علیهم السلام دربارهٔ اخلاق و تزکیه نفس است.

حضرت امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«الزُّمُّ الْعِلْمُ لَكَ، مَا دَلَّكَ عَلَى صَلَاحِ قَلْبِكَ
وَاطْهَرَ لَكَ فُسَادَهُ»^۱ لازم ترین دانش برای
تو آن علمی است که تو را بر صلاح
دلت راهنمایی کند و فساد قلبت را
نشان دهد.»

امام خمینی رحمته الله علیه در وصیتنامه
سیاسی، الهی شان چنین مرقوم
فرموده اند: «... و از بالاترین و
والا ترین حوزه هایی که لازم است به

طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار
گیرد، علوم معنوی اسلامی از قبیل:
علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و
سلوک الی الله - رزقنا الله و ایاکم -
است.»^۲

همچنین ایشان دربارهٔ عنایت و
اهتمام به اخلاق می فرماید:
«حوزه های علمیه، همزمان با
فراگرفتن مسائل علمی، به تعلیم و
تعلم مسائل اخلاقی و علوم معنوی
نیازمند است. برنامه های اخلاقی و

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۶۶.

۲. وصیتنامه سیاسی الهی بنیانگذار جمهوری
اسلامی ایران، بند ط.

ایران اسلامی را جوانان تشکیل می دهند و اکثریت قاطع آنان دارای صفات و سجایای اخلاقی برخاسته از فطرت الهی و خداجوی هستند. کارنامه زشت برخی احزاب و سیاستمداران، نزاعهای داخلی و فزون طلبیها و... به سرخوردگی از تلاشهای اجتماعی سیاسی و تشدید روی آوری به مسائل اخلاقی منجر شده است. رشد چاپ و نشر و گرمی بازار کتاب، نشانی از این گرایش است. در فضا یی این چنین، گاهی مشاهده می شود که عده ای به نام عرفان و با موج سواری و سوء استفاده های تجاری، ریاستی و... عواطف پاک جوانان را به بیراهه می کشانند؛ البته جویندگان طریق عرفان را به دو دسته می توان تقسیم کرد: گروهی که روحیه متعبدانه و فرهنگ بسیجی دارند، زندگانی علما و صلحا را الگو قرار می دهند و متأسفانه بر سر راه اینان طعمه ها و کتابهای ضعیفی مثل آثار ترویج کنندگان درویشی و صوفیگری

اصلاحی، کلاس تربیت و تهذیب، باید در حوزه ها رایج و رسمی باشد، متأسفانه در مراکز علمی به این گونه مسائل لازم و ضروری کمتر توجه می شود. علوم معنوی و روحانی رو به کاهش می رود و بیم آن است که حوزه های علمیه نتوانند علمای اخلاق، مربیان مهذب و آراسته تربیت کنند.

در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق برنامه تنظیم کنید. استاد اخلاق برای خود معین نمایید. جلسه عظمی، پند و نصیحت تشکیل دهید. خود زو نمی توان مهذب شد. اگر حوزه ها از داشتن مربی اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشد، محکوم به فنا خواهد بود! چطور علم فقه و اصول به مدرّس نیاز دارد، درس و بحث می خواهد، برای هر علم و صنعتی در دنیا استاد و مدرّس لازم است، لیکن علوم معنوی و اخلاقی به تعلیم و تعلّم نیازی ندارد و خود زو و بدون معلّم حاصل می گردد؟!^۱

هشدار

امروزه بیشتر جمعیت کشور

۱. جهاد اکبر، ص ۱۱، ۱۲، ۲۳، (با تلخیص).

جزو مجموعه سیر و سلوک پاکان نهاده شده است.

دسته دیگر، جوانان بی‌آلایشی‌اند که چنین روحیه‌ای ندارند و به دلیل بیگانگی با آثار اصیل معنوی، در دام آثار و کالاهای بدلی و پر زرق و برق بیگانگان می‌افتند. آری عرفانهای بدلی و کاذب برخاسته از فرهنگهای بیمار وارداتی آفتی شده که گروهی از جامعه ما را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد.

آثار گونه‌گون ادبیات و عرفان سرخپوستی، هندی، چینی، مسیحی و انواع کتب مربوط به روانشناسی و فرا روانشناسی، سحر و جادو، علوم غریبه، کف‌بینی، چهره‌شناسی و فالگیری، در بازار کتاب بسیار پرفروش شده است.

نقش مأخذ و منابع

همچنان که لازم است یک واعظ، با علم فلسفه اخلاق و کلیات روانشناسی اسلامی آشنا باشد، باید کتابهای تربیتی و اخلاقی اسلامی را بخوبی بشناسد و نیز با سبکهای متفاوت عالمان اخلاق در طول تاریخ اسلام بیگانه نباشد و گرنه هم در یافتن

جایگاه یک بحث، و هم در ارزیابی راه‌های اخلاقی و داوری در صحت و سقم مطالب، ناتوان می‌ماند.

بدیهی است شناسایی و نقادی همه منابع اخلاق اسلامی در یک مقاله نمی‌گنجد و نیازمند چند رساله تحقیقی است؛ بناچار با استفاده از مقدمه کتاب اخلاق (۵) به اشارتی بسنده کرده، چند نوع کتاب اخلاقی را معرفی می‌کنیم؛ گرچه همه در یک مقسم نمی‌گنجد.^۱

انواع منابع

الف) نصوص اخلاقی، یعنی کتابهایی که فقط به جمع آوری آیات و روایات اخلاقی و تبویب آنها به سبک کتب روایی پرداخته‌اند، خواه منحصر به فصلهای اخلاقی باشد، مثل «مکارم الاخلاق» تألیف «ابونصر حسن بن فضل طبرسی» (م قرن ۶)؛ «تنبیه الخواطر»، معروف به «مجموعه ورام»، نوشته «ابوالحسن ورام بن اَبی فراس» (م ۶۰۵)؛ «محاسبه النفس» از «سید بن طاوس» (م ۶۶۴)؛ «ارشاد القلوب»،

۱. اخلاق (۵) یکی از شش کتاب اخلاقی است که (متون) چاپ کرده است.

علاوه، به تصوّف نیز نظر داشته است. «ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب رازی معروف به ابن مسکویه» (م ۴۲۱) - که به تعبیر «محقق لاهیجی»^۱، در حکمت عملی به منزله ابوعلی سیناست - دیگر دانشمند اسلامی است که به این قلمرو گام نهاد. وی «تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق» را، در موضوع سعادت، با استفاده از مکتوبات اخلاقی ارسطو و شارحان کلام او نوشت.^۲ به عقیده وی اخلاق، صادر از نفس است. از اینرو، در آغاز به معرفت نفس و قوای آن می پردازد و سپس از فضائل و رذایل اخلاقی سخن می گوید. آنگاه با توجه به نظریه ارسطو درباره اعتدال و حد وسط، نیل به اعتدال را تنها به وسیله عقل میسر دانسته و میان سعادت و فضیلت ربط داده است.

در همین دوران، متکلمان، مخصوصاً معتزله، با نگرش عقلی به مباحث اخلاق پرداختند و به «حسن و

تألیف «ابومحمد حسن بن محمد دیلمی» (م قرن ۸)؛ «عده الداعی»، نوشته «ابن فهد حلی» (م ۸۴۱)؛ «محاسبة النفس»، از «تقی الدین ابراهیم بن علی عاملی کفعمی» (م ۹۰۵).

و یا مشتمل بر فصلها یا بابهای اخلاقی است؛ مثل «ابواب جهاد النفس» در کتاب «وسائل الشیعه» یا بسیاری از بابهای اصول کافی مثل جلد دوم آن، کتاب «الایمان والکفر» از کتاب «بحار الانوار»، مجلدات ۶۶ تا ۷۰. این سلسله از منابع اخلاقی از دیرباز رایج و بسیار تأثیرگذار و قابل استفاده همگان بوده و ماندگار خواهد ماند.

ب) آثار مستقل و مدون که مقارن با ظهور «نهضت ترجمه آثار فلسفی یونان» و متأثر از آنان بوده است.

«ابوالحسن عامری نیشابوری» (م ۳۸۱) از نخستین فیلسوفان مسلمان است که در دانش اخلاق، کتاب مستقلی به نام «السعادة والإسعاد» تألیف کرد که بیشتر آن از آثار اخلاقی افلاطون و ارسطو اقتباس شده و

۱. گوهر مراد، ص ۴۸۹.

۲. ر.ک: تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق، ص ۵۳، ۱۱۰، ۱۴۸-۱۴۹ و ...

زشت و زیبا نیست. از نگاه او، خیر آن است که خدا به آن امر فرموده و شر آن است که خدا از آن نهی فرموده است و از این جهت، بیشتر با اشاعره هم عقیده است.

وی إحياء العلوم را بر چهار پایه اصلی - هر یک شامل ده کتاب - بنا نهاد: ۱. عبادات؛ ۲. عادات؛ ۳. مهلکات؛ ۴. منجیات (هر کدام یک چهارم کتاب) عزالی، چهار فضیلت «حکمت، عفت، شجاعت و عدالت» ارسطو را به اجمال در کتاب دوم از بخش مهلکات بیان کرده و در پایان آن گفته است:

«و آنچه در کتاب دوم بیان کردیم تنها اشاره‌ای اجمالی است به طریق تهذیب اخلاق و مسعالجهٔ أمراض قلوب». او در بیشتر موارد از اعتدال، سخنی به میان نیاورده است.

«خواجه نصیرالدین طوسی»^۱ (۵۹۷ - ۶۷۲ ق.) از مفاخر بزرگ و عالمان نام آور جهان اسلام - که در حکمت و بیشتر علوم زمان خود استاد و متبحر بود - به دو روش اخلاقی

قیح عقلی افعال» قائل شدند و حکم عقل را، چه در معرفت احکام عقلی و چه در شناخت استحقاق عذاب بر افعال ناپسند و استحقاق پاداش برای افعال پسندیده معتبر شمردند.

در سدهٔ چهارم هجری «اخوان الصفا» در کنار تفکر عقلی و فلسفی، به حیات اخلاقی عنایت داشتند و در زمینهٔ اخلاق، نظر عقلی را با ذوق عرفانی درآمیختند.^۱

عرفا و متصوفهٔ مسلمان نیز با نگاه خاص خود به سلوک عملی و ریاضت و تطهیر نفس، به عرصهٔ مباحث اخلاقی و شناخت مهلکات و منجیات، که مشتمل بر معانی اخلاقی است، راه یافتند.

«ابوحامد محمد غزالی» (۴۵۰ - ۵۰۵ ق.) از این گروه است. «إحياء علوم الدین» به عربی و خلاصهٔ آن «کیمیای سعادت» به فارسی، مهم‌ترین کتابهای وی به شمار می‌آیند. تکیهٔ وی اساساً به دین است؛ اما به آرای اخلاقی فلاسفه، نظیر افلاطون و ارسطو نیز نظر داشته است و بر خلاف معتزله معتقد است که اعمال، به خودی خود

۱. علم اخلاق اسلامی، ص ۲۳ (با اندکی تصرف و تلخیص).

آثاری ارائه داد:

یکی «اخلاق ناصری» مطابق مشرب حکما و دیگری، «اوصاف الاشراف» که موافق ذوق عرفاست. وی در مقدمه «اوصاف الاشراف» می‌نویسد:

«... محرّر این رساله... بعد از تحریر کتابی که موسوم است به اخلاق ناصری و مشتمل است بر اخلاق کریمه و سیاسات مرضیه بر طریق حکما، اندیشه‌مند بود که مختصری در بیان سیر اولیا و روش اهل بینش بر قاعده سالکان طریقت و طالبان حقیقت، مبنی بر قوانین عقلی و سمعی و منبئی^۲ از دقایق نظری و عملی که به منزلت لب آن صنعت و خلاصه آن فن باشد مرتب گرداند.»

مأخذ عمده اخلاق ناصری، «تهذیب الاخلاق» «ابن مسکویه» است؛ با این تفاوت که به فارسی است و «خواجه طوسی»^۳ دو بخش «تدبیر منزل» و «سیاست مدن» را هم بدان افزوده است.

خواجه در آغاز کتاب، آنچه از مسائل فلسفی را که برای فهم مطالب

لازم دیده با اسلوبی نیکو خلاصه کرده است.

این کتاب همواره مورد توجه بوده و از کتب مشهور و معتبر اخلاقی است.

از دیگر آثار مشهور اخلاقی، «المحجّة البيضاء فی تهذیب الاحیاء» تالیف «مولی محسن فیض کاشانی» (م ۱۰۹۱) است. این کتاب در واقع تنقیح و تهذیب کتاب غزالی، همراه با روایات شیعه است و در آن کتاب، «آداب الشیعة و اخلاق الامامة»، جایگزین کتاب «آداب السماع و الوجد» کتاب احیا شده است.^۱

برخی از اهل معرفت نیز برنامه خودسازی و اخلاقی خود را به شیوه سیر و سلوک «منازل السائرین» و با درسهای گام به گام تنظیم کرده‌اند؛ مانند «منازل السائرین و صد میدان» از خواجه عبدالله انصاری، سیر و سلوک منسوب به «علامة بحر العلوم».

این دسته از آثار راه عملی خودسازی را نشان می‌دهد ولی اولاً

۱. المحجّة البيضاء، ج ۱، ص ۴-۱.

فضایل و رذایل، شبیه اخلاق فلسفی و در شاخ و برگ و محتوای برخی فصلها مثل «اسرار و آداب عبادت» نظیر کتب روایی و آن دسته از آثاری است که روح دینی بر آنها غلبه دارد؛ مثل «المحجة البيضاء». از اینرو، این دسته از آثار را تلفیقی و نسبتاً جامع می‌نامیم. علامه «مولی محمد مهدی نراقی»^۱ (۱۱۴۶ - ۱۲۰۹ ق.) از تلاشهای پیشینیان سود برده و در ارائه مطالب، طرحی نو در افکنده است.

در آغاز کتاب، درباره نفس انسان، قوا و غرایز او سخن می‌گوید و هر یک از فضایل یا رذایل اخلاقی را به یکی از قوای نفس یا غریزه‌های نسبت می‌دهد. آنگاه به شناساندن یکایک فضایل و رذایل می‌پردازد. سپس با آیات و روایات، موضوع را تبیین و تأیید می‌کند و در پایان راه درمان هر رذیلتی را به شیوه‌ای حکیمانه و مثل طب قدیم، با اعتنا به صفت ضد آن ارائه می‌دهد.

افزون بر اینها از نصیحت و

۱. شرح حال علمی نراقی در مقدمه اخلاق ۵، صفحات ۲۵ تا ۴۴ ذکر شده است.

برای همگان قابل استفاده نیست، ثانیاً به آموزش علم اخلاق و شناخت فضائل و رذایل و راههای کسب فضایل یا درمان رذایل نپرداخته است.

آثار تلفیقی

دسته‌ای دیگر که شاید بتوان ادعا کرد همگانی‌تر و رایج‌تر است، کتابهایی به شیوه تلفیقی است: مثل «جامع السعادات» و «معراج السعادة». بنابراین آثار اخلاقی را به چهار گرایش کلی می‌توان تقسیم کرد:

۱. گله‌چینهایی از متن کتاب و سنت مثل «عدّة الداعي»، «ارشاد القلوب»؛

۲. آثاری که شیوه‌های فلسفی و عقلی اخلاق ارسطویی و یونانی در آنها غلبه دارد، مثل «السعادة و الاسعاد» و «تهذیب الاخلاق»؛

۳. آثاری که حاوی دستورالعمل‌های گام به گام و منزل به منزل است، مثل «سیر و سلوک» و «منازل السائرین»؛

۴. کتابهایی که تقریباً تلفیقی از روشهای پیشین است؛ مثل «جامع السعادات» مرحوم نراقی که در تنظیم مباحث و بحث معرفة النفس و درمان

یکدیگر شدند و در آتش فراق
 همدیگر می سوختند. ازدواج آنان
 فراهم شد و هجرانشان به وصال مبدل
 شد. ولی شب زفاف به شکرانه وصال
 به سجده و تهجد سپری شد، شب بعد
 نیز همچنین، و این شکرگزاری نه یک
 شب و دو شب و نه یک سال و دو سال
 که صد و بیست سال طول کشید و در
 آن سنین وقتی با میهمان خود در این
 باره سخن می گفتند شوهر گفت: از
 دختر عمویم پیرس تصدیق می کند که
 هنوز باکره است و همین گونه بود.
 مبلغ در برخورد با چنین مطالبی
 باید بررسی کند که به فرض صحت، آیا
 چنین نسخه‌ای قابل اجراست؟
 و مهم تر آنکه آیا با شیوه انبیا و
 ائمه معصومین علیهم السلام سازگاری دارد؟
 «معراج السعادة» که تقریباً ترجمه

۱. برای آگاهی بیشتر از شیوه و کتاب مرحوم
 نراقی رک: اخلاق (۵)، ص ۴۶ - ۶۲؛ علم اخلاق
 اسلامی ج ۱، مقدمه استاد مجتبی. گفتنی است
 که وی سه مجلد جامع السعادات را به فارسی
 ترجمه و سپس در یک جلد خلاصه کرده و
 انتشارات حکمت منتشر کرده است.

۲. رک: مقدمه الغدیر؛ مقدمه المحجة البيضاء
 و...

موعظه غافل نیست!
 وی مواد مطالب را بیشتر از
 کتابهای اخلاقی نظیر «المحجة
 البيضاء» گرفته و با نقادی نقل کرده
 است.
 گفتنی است با اینکه نویسندگان
 کتابهای تربیتی و اخلاقی از عالمان
 بزرگ اند، ولی مبلغ زیرک نباید به هر
 چه نوشته شده، اعتماد کند بلکه با
 زیرکی و ظرافت اهل نقد و نظر باشد.

برای توضیح بیشتر به این مثال
 توجه کنید: به احیاء العلوم غزالی
 اشکالهای زیادی گرفته اند^۲ و فیض
 کاشانی آن کتاب را تصفیه کرده است،
 تا جایی که گفته اند: المحجة البيضاء فی
 احیاء الاحیاء، در مرحله بعد مرحوم
 نراقی بسیاری از مطالب المحجة را
 قابل نقل ندیده است. در عین حال
 داستان صوفیانه ذیل که ریشه اش در
 کتاب غزالی است از زیر تیغ تیز نقادی
 این دو بزرگوار جان سالم به در برده و
 در باب شکر این سه کتاب با اندک
 تفاوتی در عبارات موجود است.

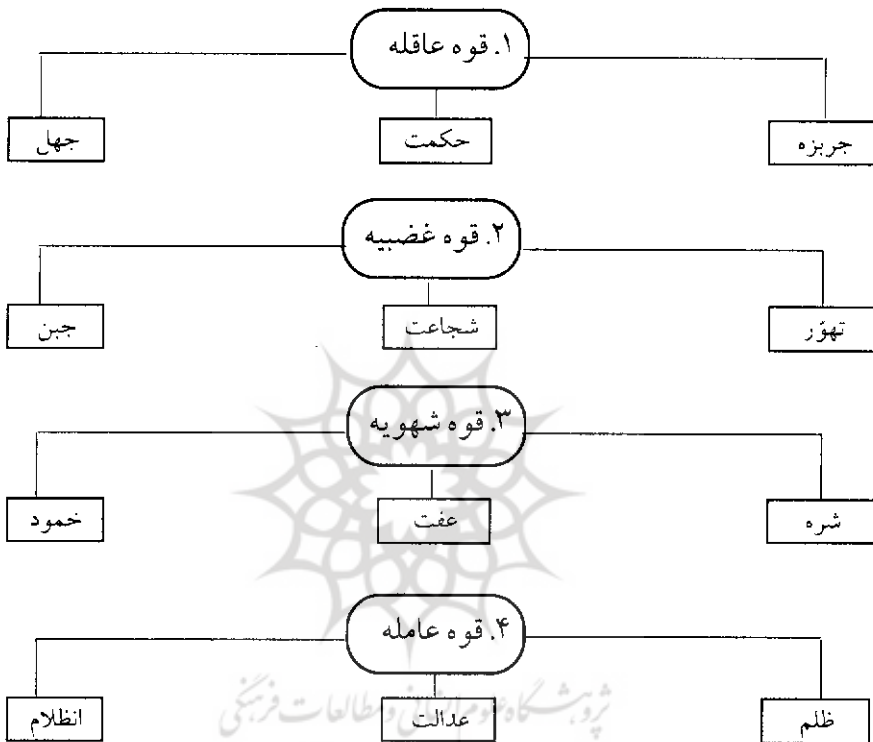
خلاصه داستان

پسر عمو و دختر عمویی عاشق

نمودار محور جامع السعادات

اجناس ردایل در طرف افراط نام چهارگانه فضایل (حد وسط) اجناس ردایل در طرف تفريط

وقوای نفس



بابهای ششگانه «جامع السعادات»

۱. باب اول: مقدمات

۲. باب دوم: اقسام اخلاق

۳. باب سوم: ردایل و فضایل قوه عاقله

۴. باب چهارم: ردایل و فضایل قوه غضبیه

۵. باب پنجم: ردایل و فضایل قوه شهویه

۶. باب ششم: ردایل و فضایل دو یاسه قوه

و خلاصه‌ای از جامع السعادات است این داستان را رها کرده است. پس از نراقیها و بویژه در عصر حاضر، آثار اخلاقی و تربیتی، انواع گوناگونی پیدا کرده است؛ برای اختصار نمونه‌هایی را با اندکی توضیح نقل می‌کنیم.

راه شایسته و بایسته

«حضرت امام خمینی علیه السلام پس از تجزیه و تحلیلی در علوم و مقصد عالی از آنها، می‌فرماید:

«ای عزیز! جمیع علوم شرعیه، مقدمه معرفه الله و حصول حقیقت توحید است در قلب؛ غایت امر آنکه بعضی مقدمه قریبه و بعضی بعیده و بعضی بلاواسطه و بعضی مع الواسطه است.

علم فقه، مقدمه عمل است و اعمال عبادی، خود، مقدمه حصول معارف و تحصیل توحید است.

همین نحو، علم به منجیات و مهلکات در علم اخلاق، مقدمه است برای حصول حقایق معارف و لیاقت نفس برای جلوه توحید؛ و این نزد اهلش پر واضح است و برای جاحدین نیز معلوم نخواهد شد؛ گر چه مثنوی

هفتاد من کاغذ شود.

مقصد قرآن و حدیث، تصفیه عقول و تزکیه نفوس است؛ برای حاصل شدن مقصد اعلای توحید و غالباً شرح احادیث شریفه و مفسرین قرآن کریم این نکته را که اصل اصول است، مورد نظر قرار نداده‌اند و از آن گذشته‌اند و جهاتی را که مقصود از نزول قرآن و صدور احادیث به هیچ وجه نبوده، از قبیل جهات ادبی و فلسفی و تاریخی و امثال آن، مورد بحث و تدقیق و فحص و تحقیق قرار داده‌اند.

[کیفیت کتاب اخلاق]

به نظر قاصر، اخلاق علمی و تاریخی و همین طور تفسیر ادبی و علمی و شرح احادیث بدین منوالی از مقصد و مقصود دور افتادن و تبعید قریب نمودن است.

نویسنده را عقیده آن است که مهم در علم اخلاق و شرح احادیث مربوطه به آن یا تفسیر آیات شریفه راجعه به آن، آن است که نویسنده با ابشار و انذار و موعظت و نصیحت و تذکر و یادآوری، هر یک از مقاصد خود را در

نفوس جایگزین کند.

به عبارت دیگر، کتاب اخلاق، موعظه کتبیّه باشد و خود معالجه کند دردها و عیبها را، نه آنکه راه علاج نشان دهد.

ریشه‌های اخلاق را فهماندن و راه علاج را نشان دادن، یک نفر را به مقصد نزدیک نکند و قلب ظلمانی را نور ندهد و اخلاق فاسد را اصلاح ننماید، کتاب اخلاق آن است که به مطالعه آن، نفس قاسی نرم، و غیر مهذب مهذب، و ظلمانی نورانی شود؛ و آن، به آن است که عالم در ضمن راهنمایی، راهبر و در ضمن ارائه علاج، معالج باشد و کتاب، خود، داروی درد باشد نه نسخه دوانما. طیب روحانی باید کلامش حکم دوا داشته باشد نه حکم نسخه.

نویسنده، راه نوشتن کتاب اخلاق را باز کردم که اگر عالمی نویسنده و قادر بر تقریر و تحریر پیدا شد، این طرز بنویسد؛ نه آنکه خود من را چنین قدرت، یا قلم شکسته‌ام را این توانایی، یا قلب ظلمانی‌ام را این بینایی است. معلوم است اشکال نمودن سهل است، ولی حل آن مشکل است. ما از خدای متعال توفیق می‌طلبیم که

قلب سخت ما را نرمی دهد و اخلاص را نصیب فرماید که شاید از این نوشته نالایق دلی به دست آید.^۱

آثار اخلاقی امام خمینی علیه السلام

پیشوای بزرگ و بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی علاوه بر فقه و اصول و... در تزکیه و تهذیب نفوس یسد طولی داشت و علاوه بر سالها تدریس اخلاق به تألیف آثار پرمایه، در این دانش ارزنده پرداخت.^۲

آثار اخلاقی حضرت امام - که مباحثی دیگر نیز در آنها هست ولی عمده صیغه اخلاقی دارد - به ترتیب تاریخ تألیف عبارت است از:

۱. «شرح اربعین»؛ ۲. «آداب الصلاة»؛ ۳. «شرح حدیث جنود عقل و جهل»؛ ۴. «جهاد اکبر یا مبارزه بانفس».

توضیح کوتاه:

۱. شرح اربعین

مبسوطترین اثر اخلاقی امام

۱. اخلاق (۳)، ص ۲۰۳-۲۰۵، نقل از: مقدمه کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل.
۲. برای توضیح بیشتر درباره برنامه‌های اخلاقی حضرت امام علیه السلام ر.ک: اخلاق (۳)، مقدمه.

راحل علیه السلام است که در سال ۱۳۵۸ ق پایان یافته است. این اثر، شرح چهل حدیث شریف است که به اقتضای سنت «اربعین نویسی» در بین علمای اسلام تألیف شده و ۲۹ حدیث آن اخلاقی و هفت حدیث آخر و نیز حدیث ۱۱، ۲۸، ۳۱ و ۳۲ درباره اعتقادات است؛ هرچند در توضیح حدیث ۲۸ و ۳۲ مباحث اخلاقی نیز مطرح شده است.

۲. آداب الصلاة

مؤلف درباره انگیزه نگارش این اثر می نویسد:

«ایامی چند پیش از این، رساله‌ای فراهم آوردم که به قدر میسور از اسرار صلوات در آن گنجانیدم و چون آن را با حال عامه تناسبی نیست در نظر گرفتم که شطری از آداب قلبیه این معراج روحانی را در سلک تحریر درآورم؛ شاید برادران ایمانی را از آن تذکری و قلب قاسی خود را تأثیری حاصل آید.» این اثر در سال ۱۳۶۱ ق. پایان یافته است. مؤلف در این اثر، علاوه بر آداب قلبی نماز، مباحث معارفی و اخلاقی مهم دیگری را نیز به تناسب

مطرح کرده و سوره‌های شریفه حمد، توحید و قدر را تفسیر کرده است.

۳. شرح جنود عقل و جهل

این کتاب، آخرین تألیف اخلاقی امام خمینی علیه السلام است. ایشان پس از این اثر به تألیفات فقهی و اصولی روی آورده‌اند. این اثر، شرح حدیث معروف امام صادق علیه السلام درباره جنود عقل و جهل است که امام علیه السلام هفتاد و پنج جند برای هر یک از عقل و جهل بیان کرده است. امام خمینی علیه السلام ۲۵ جند از جنود عقل و جهل را در ۲۵ مقصد شرح داده و تتمه را به مجلدی دیگر و انهاده است که ظاهراً به تألیف آن موفق نشده‌اند.

۴. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس

این کتاب، جزو آثار اخلاقی و تقریر بیانات اخلاقی ایشان در دوره تبعید در نجف اشرف است. امام خمینی علیه السلام حدود شصت سال پیش در حوزه علمیه قم، جلسات پر رونق، تأثیرگذار و راهگشای اخلاقی برگزار می‌کرده‌اند؛ هر چند تقریرات آن

۱. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۴۲۹.

به نیاز طلاب حوزه علمیه تهیه شده است؛ گرچه برای دیگران نیز قابل استفاده و مفید است.

معرفی اجمالی متون اخلاقی

(الف) اخلاق (۱)، محمود اکبری، ۱۹۵ص. در این اثر، مهم‌ترین آداب اسلامی و زئی طلبگی با بهره‌گیری وافر از آیات و روایات، برشمرده شده است.

(ب) اخلاق (۲)، به نام الدر النضید: مختصر منیة المرید، تألیف شهید ثانی، ۱۸۰ص.

(ج) اخلاق (۳)، ۳۷۹ص و اخلاق (۴)، ۳۷۲ص، گزیده چهار اثر اخلاقی حضرت امام خمینی علیه السلام است.

(د) اخلاق (۵)، ۲۷۵ص و کتاب اخلاق (۶)، ۵۵۶ص. این دو کتاب، تحریر جامع السعادات مرحوم نراقی است. سرگذشت مؤلف و معرفی

تحریر این تألیف و بهسازیهایی که در این کتاب صورت گرفته، در مقدمه آن در ۶۲ صفحه بیان شده است.

دروس بر جای نمانده است؛ ولی خوشبختانه آن بزرگوار مطالب اخلاقی مورد نظر خود را در آثار پیشگفته به ودیعت نهاده‌اند.

حضرت امام علیه السلام روز ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴ برابر با ۹ جمادی الآخرة ۱۳۸۵ از ترکیه به فرودگاه بغداد و عصر جمعه ۲۳ مهر ۱۳۴۴ به نجف اشرف وارد شدند و روز ۲۳ آبان ۱۳۴۴ برابر با ۲۰ رجب ۱۳۸۵ در «مسجد شیخ انصاری علیه السلام» در نجف اشرف، تدریس فقه را شروع کردند که تا اواسط مهرماه ۱۳۵۷ در ایام درسی ادامه داشت. در این دوران، گهگاه به مناسبت‌هایی مواعظ و تذکرات تنبّه دهنده‌ای داشته‌اند. که یکی از آن درسهای اخلاق تحت عنوان «جهاد اکبر یا مبارزه با نفس»، چاپ شده است.

اخلاق ۱-۶ (متون)

این ۶ کتاب اخلاقی به اهتمام مرکز تدوین و نشر متون درسی (متون) و نشر دانش حوزه، و با عنایت